

محمد بن عبد الوهاب - دانشنامه
اسلام ترکیه -

محمد بن عبد الوهاب - دانشنامه اسلام ترکیه -

محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان التمیمی النجدی مؤسس وهابیت است. وی در حقیقت با پیروی از افکار ابن تیمیه و پیوند با خاندان قدرت طلب آل سعود این مکتب انحرافی را تاسیس نمود. در مقاله حاضر ضمن مروری بر زندگانی ابن عبدالوهاب به بیان افکار افراطی وی و آثارش هم پرداخته می شود.

سال 1115 ه. ق در منطقه مسکونی کوچکی به نام عیینه در بخش نجد جزیره العرب به دنیا آمد. خاندانش منسوب به قبیله بنی تمیمی و علمای زیادی در مذهب حنبلی تربیت نموده بودند. پدرش عبدالوهاب بن سلیمان از علمای معروف نجد بود. محمد بعد از تعلیم مبانی دین از پدرش به عنوان قاضی عیینه، به مکه رفته و مدتی کوتاه آنجا اقامت نمود. متعاقباً وارد مدینه شد. در مدینه علوم دینی را از علمای برجسته عصر و در رأس آنها از عبدالله بن ابراهیم بن سیف النجدی و محمد حیات السنّدی آموخت. پس از آن به بصره، مرکز فرقه‌های گوناگون دینی پای گذاشت. اما او و استادش محمد المجموعی به سبب مخالفت-شان با بعضی عادات زندگی دینی مردم شهر از آنجا رانده شدند. از جمله عاداتی که او علیه-شان بود، احتمالاً مرتبط با زیارت مزار شیخ محمد امین الکواز و ابراز احترام فوق العاده مردم نسبت به وی بود که به عبادت پهلو می-زده است. عبدالوهاب بعدها از این عالم بصره-ای در تالیفاتش با عباراتی خصمانه یاد کرده است. او به واسطه نداشتن امکانات مادی نتوانست به شهر دمشق که از جمله مراکز مهم حنبلی-گری به شمار می‌رفت مهاجرت نماید و به ناچار از راه احساء به نجد برگشت. او نزد پدرش که پس از اختلاف با امیر عیینه به روستای حریملا کوچیده بود سکونت اختیار کرد. گرچه بعضی مورخان قید کرده‌اند که او قبل از برگشتن به نجد از شهرهای بغداد، حلب، همدان، اصفهان، قم، ری، دمشق، قدس و قاهره دیدار کرده است اما صحت این دیدارها در منابع وهابی مورد تایید نیست. [1]

پس از رسیدن به نجد به عنوان یک عالم انتظار می‌رفت محمد بن عبدالوهاب منصبی علمی کسب کند. او بعد از فوت پدرش در 1153 ه. ق (1740 م.) حرکتی اصلاحی علیه عادات دینی که شرک می‌دانست آغاز نمود. اما با مخالفت-هایی جدی روبرو شد. به دنبال تشدید مخالفت و وجود احتمال سوء قصد به جاننش از حریملا به عیینه حرکت کرد. آنجا از طرف امیر عثمان بن معمر که با او آشنایی قبلی داشت به نیکی مورد استقبال قرار گرفت و برای تبلیغ افکارش از حمایت سیاسی او برخوردار گشت. آنجا نه تنها تبلیغ افکارش بلکه تخریب مزار بعضی صحابه که در جنگ علیه طرفداران مسیلمه کذاب به شهادت رسیده بودند، واکنش-های شدیدی در پی داشت. شیخ قبیله بنی خالد که از قوی-ترین قبائل احساء به شمار می‌رفت امیر عیینه را برای قتل یا تبعید محمد بن عبدالوهاب تحت فشار قرار داد. به این ترتیب محمد بن عبدالوهاب به سال 1158 ه. ق (1745 م.) مجبور به کوچ به درعیّه شد که تحت اداره خاندان سعودی قرار داشت.

سکونت در درعیّه نقطه عطفی در زندگی محمد بن عبدالوهاب بود. خاندان سعودی او را تحت

حمایت خود در آوردند و شرایط تبلیغ افکارش را تامین کردند. این حمایت در دوره سعود و پسر و نوه اش عبدالعزیز نیز ادامه داشت. این مرحله از نظر آینده وهابیت و تأثیر آن مرحله‌ای مهم به شمار می‌رود. به سبب اینکه محمد بن عبدالوهاب دشمنان خود را مشرک می‌خواند طرفدارانش جهاد علیه آنان را آغاز کردند. حرکت وهابی-گری، به دنبال تقریباً سی سال تبلیغ آهسته و نامنظم بااقدار حکومت خاندان سعودی بر نجد سرعت زیادی گرفت. در طول این مدت مخالفانی مانند امیر ابن دواس، زید بن زامل و ابراهیم بن سلیمان که سال 1187 ه. ق (1773 م.) مجبور به ترک ریاض و از صحنه خارج شدند.

ترویج سعودی‌گری مشحون به مبانی وهابیت واکنش-هایی شدید خارج از محدوده نجد را نیز برانگیخت. مهم‌ترین و طولانی‌ترین این واکنش‌ها از سوی قبیله بنی خالد (1789-90 م.) صورت گرفت که امیران احساء منسوب به آن بودند. بنی-خالد چهار حمله بزرگ علیه وهابیان ترتیب دادند. این قبیله در سال 1204 ه. ق (1789-90 م.) شکست سختی خورد. خاندان اسماعیلی مکارمه در نجران، قبایل بزرگ متفق عرب در عراق و امیر مکه شریف غالب علیه نیروی وهابی-سعودی که در نجد افزایش یافته بود پیکار کردند. جدی‌ترین تهدید در میان آنها قبیله مکارمه بود که سال 1178 ه. ق (1764 م.) برای قلع و قمع سعودی تلاش نمود و وهابیان را پراکند. اتفاق سعودی- وهابی صرفاً محدود به دفع این حملات نشد بلکه در کنار آن بر نیروی خود نیز بسیار افزودند. متعاقب فوت محمد بن عبدالوهاب در سال 1792 م. تلاش برای ترویج وهابیت در سوریه، عراق و حجاز تداوم یافت.

عقیده محمد بن عبدالوهاب در مورد توحید با تصدیق به شرک بسیاری از افعال مسلمانان دوره زندگی او، عبارت است از وجوب جهاد علیه آنان به عنوان یکی از وظایف اساسی مسلمانان. مبانی اصلی که محمد بن عبدالوهاب از آنها دفاع می‌کند در اصل علی‌رغم اسلامی بودن-شان به سبب عدم تفاهم در باره شیوه‌های اجرا، بیش از همه بسیاری از معاصرانش را که برایش احترام قائل بودند، معذب می‌کرد. عقائد او در مقیاسی مهم متأثر از ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم الجوزیه از علمای بزرگ مذهب حنبلی شکل گرفت. اما در کنار این تأثیر، آنها علیه طرز زندگی دینی که مورد تایید هیچ-کدام نبوده، اعلام جهاد نکرده‌اند. علی‌رغم اینکه از میان علمای معاصرش عالم بزرگ یمنی امیر الصنعان از محمد بن عبدالوهاب اعلام حمایت کرده بود؛ ولی او نیز پس از انجام قتل و غارت به فتوای او، وی را متهم به درک ناقص و نادرست از عقاید ابن تیمیه و ابن قیم کرد. حتی در سال 1170 ه. ق (1756-57 م.) شعری در ذم محمد بن عبدالوهاب سرود.

عبدالوهاب روی نسل پس از خود تأثیری بسیار بزرگ داشته است. مدت کوتاهی بعد از آنکه محمد علی پاشای کابالائی ضربات سختی بر تکیه-گاه سیاسی وهابیت یعنی خاندان سعودی وارد آورد، سعودیان دوباره به اعمال تأثیر در منطقه با شدت بیشتری پرداختند. اما در مورد اجرای مبانی وهابیت در عمل، از رفتارهای تند و غیر قابل قبول گذشته دست کشیدند. وهابیت که با تکیه بر حمایت سیاسی و نظامی سعودیان در عربستان مؤثر واقع شده بود، روی مسلمانان غیر عرب نیز تأثیر گذارد. درباره علت این تأثیر می‌توان دو دلیل بنیادی مطرح کرد. نخست وجود یک سری تفاوت-ها میان اهمیت توحید در اسلام با زندگی دینی روزانه جوامع مسلمان و اجرای آن است. در جوامعی که این تفاوت-ها شدیدتر بوده‌اند، وهابیت نیز راحت‌تر گسترش یافته است. دومین دلیل این است که عبدالوهاب در جامعه‌ای دیدگاه-های خود را به پیش راند که از نفوذ فرهنگ غرب به دور بود و عقاید او در چنان دوره‌ای که تأثیر گذاری و نفوذ فرهنگی اروپا آغاز شده بود علاقه بسیاری از مسلمانان را به سوی خود جلب می‌کرد. تاکید

محمد بن عبدالوهاب به ویژه روی اصل توحید و توجّهش به وجوب پالایش دین از بدعت‌ها بسیار مهم است. این جنبه از وهابیت درقبال حرکت سلفیه نیز تأثیر خود را نشان داده و به بخشی از حرکات اسلامی معاصر جهت داده است.

شخصیت علمی عبدالوهاب

محمد بن عبدالوهاب در خانواده ای فرهنگی به-دنیا آمد. عبدالوهاب آموزش خود را تحت راهنمایی پدرش آغاز نمود. او بعد از حفظ قرآن کریم آثار عالم حنبلی موفق الدین بن قدامه را در زمینه فقه مطالعه کرد. برای تکمیل دانسته‌هایش به مکه مسافرت نمود. آنجا به دلیل اینکه اساتید مطلوب خود را نیافت، راه مدینه را در پیش گرفت. در مدینه دو استاد حنبلی عبدالله بن ابراهیم بن سیف النجدی مهمترین اساتید او بوده‌اند. محمد بن عبدالوهاب نزد عبدالله بن ابراهیم که مدافع مکتب حنبلی جدید تحت نظریات ابن تیمیه بود، همراه با کتب سنّه، کتاب *الموطأ* تالیف امام مالک، مسندهای شافعی و امام احمد بن حنبل را خوانده و مأذون گشت. در میان دیگر اساتیدش در مدینه علمایی مانند محمد خیاط السندی، محمد بن سلیمان الکردی، شیخ علی افندی الداعستانی و عبداللطیف الأفلاکی الإحسانی قابل ذکر است. محمد بن عبدالوهاب بعدها به بصره مهاجرت نمود و مدت‌های مدیدی آنجا ماندگار شد. او آنجا از محمد المجموعی صرف و نحو، حدیث و سیر آموخت. او در این شهر که محل گردآمدن فرقه‌های دینی مختلف بود، فرصت یافت درباره شیعه و فرق گوناگون اسلامی اطلاعاتی کسب کند. مواردی از جمله آنچه در میان مردم مشاهده می‌شد مبنی بر عبادت اولیاء و عدم تطبیق آن با سنت، زمینه شکل-گیری اندیشه‌های او را تعیین کردند. در مدینه به سبب طرح اندیشه‌هایش عبدالوهاب و استادش را از شهر بیرون راندند.

محمد بن عبدالوهاب مدتی در شهر احساء نزد عبدالله بن عبداللطیف الشافعی روزگار گذراند و از دانش او استفاده‌ها برد. متعاقباً عازم حریملا شد. در این منطقه از سووی درس‌های حدیث و تفسیر پدرش را ادامه داد و از سوی دیگر مجبور به تحلیل آثار ابن تیمیه و ابن قیم الجوزیه گشت. همچنان-که این آثار افق فکری او را گسترده‌تر کردند، توان مجادله او با اندیشه‌های خارج از اسلام را نیز افزودند. در کنار دروسی که برای شاگردان پیرامونش تدریس می‌کرد نخستین اثر خود موسوم به کتاب *التوحید* را در این دوره به رشته تحریر در آورد.

ابن عبدالوهاب از افکار نخستین اساتید حنبلی-اش و به ویژه از اندیشه‌های ابن تیمیه و اندکی نیز از ابن قیم الجوزیه تأثیر پذیرفته است. از میان نوشته‌هایش مشخص می‌شود که او نسبت به فرقه‌هایی مانند شیعه، معتزله و خوارج برخوردی خصمانه اتخاذ نموده است. به نظر ابن عبدالوهاب سبب ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی، توحید است که اقسامی مانند توحید الربوبیه، توحید الالهیه (توحید العبادة)، توحید الأسماء و الصفات دارد و در سه بخش باید مورد دقت قرار بگیرد. نوع اول توحید یکی دانستن خدا در افعالی مانند خلق، اعطاء رزق و اداره عالم است. چه مسلمانان چه غیر مسلمانان واحد بودن خدا را از این-گونه افعال او در می‌یابند. توحید الوهیه یعنی صرف عبادت خداوند. مشرکان نیز در روزگار رسول اکرم توحید ربوبیت را می‌پذیرفته‌اند. اما این حالت آنان شامل توحید الوهیت نمی‌شد. پیامبران افراد قومشان را به عقیده توحید مبنی بر رازق بودن خداوند و خلق و اداره جهان توسط او فرا می‌خواندند. به ویژه روی این مساله پا می‌فشردند که عبادت منحصر باید برای او انجام گردد. محمد بن عبدالوهاب با قبول تعریف ابن تیمیه از عبادت مبنی بر اینکه «عبادت شامل هر گونه سخنی است که خداوند دوست می‌دارد و علاوه بر این مفهومی است در برگرفته اعمال ظاهری و باطنی» شامل مواردی مانند دعا کردن، توسل و توکل را نیز جزء عبادت محسوب داشته و لزوم انجام این

موارد را صرفاً برای خدا بیان داشته است. در خصوص توسل باید گفت در مرحله نخست شفاء فرد مریض، برطرف شدن تنگناهایی که از حد تحمل آدمی خارج است و مواردی مانند هدایت تنها از عهده قدرت خداوندی بر می‌آید. در مرحله دوم نیز در خصوص یاری متقابل انسان‌ها به هم‌دیگر می‌توان گفت این نوع توسل بر عهده آدمی نهاده شده است و به دو شکل مختلف می‌توان آن را ارزشیابی کرد. یاری فقط باید از انسان زنده طلب شود. درخواست فرد مسلمان از برادر مسلمانش برای دعا در حق او نیز جایز است؛ فقط طلب یاری از مرده یا آنکه حاضر نیست (شیخ، امام) شرک محسوب می‌شود. به این سبب در زندگی دنیوی قرار دادن واسطه و شفیع میان خود و خدا، یا التجاء به نیروی معنوی اشخاص و هر نوع دیگر دعا تماماً مردود می‌باشد. سیاحت و سفر برای زیارت افرادی که نزد مردم ولی خوانده می‌شوند؛ آویزان کردن چیزی از تربت آنان به رسم طلب برآوردن آرزو، ذکر نام‌شان با تعظیم و احترام و درخواست قبولی دعا از آنان شرک است. محمد بن عبدالوهاب مخالف عقیده فرقه‌هایی مانند معتزله و خوارج است که با رد شفاعت عقیده دارند طلب شفاعت فقط در انحصار و حق پیامبر اکرم بوده و فقط شفاعت از او جایز است. محمد بن عبدالوهاب با لحاظ اینکه در احادیث بیان شده است که در روز قیامت رسول اکرم از خداوند اذن می‌خواهد تا نه تنها برای افراد صالح بلکه برای عاصیان نیز طلب شفاعت نماید و در سایه شفاعت او بسیاری از آنان به بهشت وارد خواهند شد؛ معتقد است شفاعت تنها مختص خداست و رسول اکرم نیز تنها به اذن او شفاعت خواهد نمود. به این سبب برای نائل شدن به شفاعت حضرت رسول اکرم، تنها باید از خداوند طلب شفاعت کرد. آنچه صحابه از توسل به خدا از طریق دعای رسول اکرم دریافته‌اند این است که چنین توسلی تنها در هنگام زنده بودن رسول اکرم جایز است، بعد از فوت او نیز، توسل به او را رها کرده و به عمویش عباس برای دعا در حق خود، توسل جسته‌اند. محمد بن عبدالوهاب بر خلاف درک رایج متصوفه رتبه‌هایی مانند قوس، اقطاب، اوتاد، ابدال را رد نموده و آن را بدعتی حرام شمرده است.

محمد بن عبدالوهاب با بیان اینکه توحید به صورت اسماء و صفات تکمیل می‌شود، عقیده دارد اسماء و صفاتی که در نص قرآن و حدیث آمده، باید پذیرفت. به این ترتیب همان‌طور که هر که بگوید «خدا جسم، جوهر یا عرض است» بدعت آورده، هر کسی هم سخنی عکس آن بگوید بدعت آورده است. علاوه بر این نباید صفات الهی را با قائل شدن به تعداد مشخصی محدود نمود و آنچه در این خصوص در نص آمده است باید پذیرفت و حقیقت آنها را باور داشت. محمد بن عبدالوهاب زیارت قبور را دو نوع می‌داند و بیان می‌دارد که زیارت مشروع به هدف یادآوری آخرت، فراموش نشدن اهل قبور و دعا به درگاه خداوند در حق آنها انجام می‌شود. بر عکس اعلام می‌کند زیارت برای طلب یاری و شفاعت از اهل قبور و همچنین قبور را مسجد کردن و گرد هم آمدن و مسافرت به هدف عبادت در آنجا حرام است. چنین زیارتی حتی در مورد مزار پیامبر هم جایز نیست.

ابن عبدالوهاب با الهام از عقیده ابن تیمیه مبنی بر اینکه دین متکی است بر مبانی توحید و عبادت به سبب اصولی که خدا تعیین کرده، در وهله اول علم کلام را که وارد مبانی تسنن شده و تصوف را که متصوفه تلاش می‌کنند آن را متکی به نصوص نمایند، به شدت مورد انتقاد قرار داده و آنها را بدعت دانسته است. همچنین ابن عبدالوهاب در مورد امر به معروف و نهی از منکر علی‌رغم تأثیرپذیری از ابن تیمیه برای انجام این وظیفه رعایت اصولی مانند شناخت معروف و منکر و رعایت نزاکت حین اجرای آن و تحمل بر سختی‌های آن را شرط قرار داده است. حال آنکه

می‌دانیم ابن عبدالوهاب رعایت این اصول را لازم نشمرده و نفرت اطرافیان غیر منسوب به اعتقادات خود را جلب کرده است.

تأثیر اندیشه‌های ابن عبدالوهاب بسیار گسترده بوده است؛ علی‌رغم اینکه بخشی از آنها هم در روزگار خود و هم در اعصار بعدی مورد نقد قرار گرفته‌اند. همچنین اندیشه‌های او در بیداری شعور اسلامی در عصر اشغال دنیای اسلام از سوی غرب نقش مهمی داشته است. مسلمانان از همان آغاز و به ویژه در موسم حج که از بخش‌های مختلف دنیا گرد هم می‌آیند فرصت آشنایی با وهابی‌گری را یافته‌اند. همچنین می‌دانیم در خصوص ترک بدعت و رجوع به اندیشه‌های سلف از سوی احمد شهید مؤسس فرقه محمدیه در هندوستان در سفر حج به سال 1822 و نیز در خصوص انقلاب‌های منتج از حرکت موسوم به سنوسی که از سوی محمد بن علی السنوسی آغاز شد اندیشه‌های ابن عبدالوهاب تأثیر بسیاری داشته است. در این میان شوقانی از علمای زیدیه در یمن نیز علی‌رغم اینکه با ابن عبدالوهاب مواجهه‌ای نداشته است در خصوص تشویق به اجتهاد و اجتناب از تقلید با او هم رأی است. محمد عبده نیز تا حدودی در خصوص درک لزوم مبارزه با بدعت‌ها و اندیشه گشودن درهای اجتهاد که به نظر بخشی از مقلدان باید بسته بماند، متأثر از ابن عبدالوهاب است. [2]

در جامعه ترک-عثمانی نیز اندیشه‌های عبدالوهاب و حرکتی که آغاز کرده بود مورد تصویب نبوده و اندیشه‌هایش خارج از اسلام و خودش عاصی قلمداد شده است. انتقادات شدید او در راستای درک از توحید اولوهیت در خصوص موضوعاتی مانند احترام و وابستگی مفرط به عبادت مخلوقات، زیارت قبور، زندگی درونی و انزوای متصوفه، تحلیل احکام زیر بنایی دین بر اساس عقل و علم و تئوریزه کردن آنها و تاویل صفات خبری بر اساس آن، بسیار افراطی به نظر می‌رسند. بیان شده که چنین درکی از دین نتایجی منفی مانند متهم کردن مسلمانان یک-دله به شرک و همچنین خارج کردن اسلام از دینی جهانی که همه انسان‌ها را خطاب قرار می‌دهد و تبدیل آن به دینی قبیله‌ای را در پی خواهد داشت. در کنار آن تأکید شده که جامعه اسلامی باید از برداشت‌ها و رفتارهایی که عقیده توحید را در خود شکسته و به ظاهر دین لطمه زند، دوری گزیند.

پس از فوت محمد بن عبدالوهاب، اعقاب او اجرای اندیشه‌هایش را ادامه داده‌اند. ابن عبدالوهاب در تسخیر حجاز (1805 م.) از سوی سعود بن عبدالعزیز به او پیوسته و از اقدامات او در عراق حمایت نموده است. او ردیه‌هایی علیه اندیشه‌های شیعیان اثنی عشریه و زیدیه در اتهام بدعت-آوردنش به رشته تحریر در آورده است. همچنین نوه او سلیمان که سمت قضاوت در درعیه را بر عهده داشته و در این میان وارد سیاست نیز می‌شده است اثری موسوم به کتاب التوضیح را در خصوص مناسبات وهابیت و عراق نگاشته است. تأثیرات دیدگاه‌های علمی و سیاسی محمد بن عبدالوهاب به ویژه در عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج ادامه داشته است.

آثار او

1. کتاب التوحید. این کتاب اثری اساسی در بنای آموزه‌های مؤلف به شکلی قاطع و شدید در چارچوب اندیشه‌های حنبلی و موضوعاتی مانند توحید، شرک، موارد مرتبط به شرک، شفاعت و ... را در بر می‌گیرد. در باره این کتاب آثار زیادی نگاشته شده است. همچنین این کتاب به

زبان‌های دیگر نیز ترجمه و بارها منتشر شده است. [3]

2. کشف الشبهات. این اثر که ردیه‌ای است بر مسلمانانی که در راستای توحید حقیقی قرار ندارند، به دفعات زیاد مورد انتشار قرار گرفته است. [4]

3. کتاب الأصول الثلاثة. این رساله به درخواست عبدالعزیز بن سعود و به صورت علم الحال نگاشته شده است. در آن معنای نام ربّ مورد دقت قرار گرفته و تلاش شده اركان دين توضیح داده شود. موضوع سیرت پیامبر اکرم نیز در این رساله خلاص جا داده شده است.[5]
 4. کتاب اصول الدین.[6]
 5. کتاب فضل الإسلام. موضوعاتی مانند مفهوم اسلام، گناهان کبیره و اساس ایمان را در بر دارد. [7]
 6. مبادئ الإسلام. با ترجمه به انگلیسی توسط احمد جلال و محمد عالی همراه با متن اصلی به چاپ رسیده است.[8]
 7. الكبائر.[9]
 8. مسائل الجاهلیة التي خلفها رسول الله.[10]
 9. عقيدة الفرقة الناجية.[11]
 10. رسالة في الرد على الرافضة.[12]
 11. احاديث في الفتن و الحوادث.[13]
 12. مجموع الحديث على ابواب الفقه.[14]
 13. مبحث الاجتهاد و الخلاف.[15]
 14. مختصر الإنصاف و الشرح الكبير.[16]
 15. المسائل التي لحاصها شيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب من فتاوى ابن تيمية.[17]
 16. فتاوى و مسائل.[18]
 17. مختصر سيرة الرسول.[19]
 18. مختصر زاد المعاد.[20]
 19. نصيحة المسلمين.[21]
 20. الخطب المنبرية.[22]
- گذشته از آثار فوق، بعضی رسالات در موضوعات تفسیر، عقائد و فقه و پنجاه و یک مکتوب در امر به معروف و نهی از منکر و توضیح دعوت خود یعنی وهابیت نیز از محمد بن عبدالوهاب به جا مانده است. مجموعه آثار او توسط عبدالعزیز بن زید الرومی، محمد بالتاجی و سید حجاب با نام مؤلفات الشیخ الإسلام محمد بن عبدالوهاب در دوازده جلد منتشر شده است. (ریاض بی تا).
- [1]. COOK, JRAS, سری سوم، ج 2/2 (1992) ص 1903-1907.
- [2]. احمد امین، ص 21-23.
- [3]. مثلاً قاهره 1366 / 1949؛ ریاض 1382 / 1962؛ بیروت 1390 / 1970؛ مدین 1409 / 1980؛ 1989.
- [4]. قاهره 1380 / 1961؛ مدینه 1395 / 1975؛ طائف 1400 / 1980؛ جدّه 1400 / 1980؛ ریاض 1404 / 1984؛ مکه 1406 / 1986؛ برای نشرهای دیگر بنگرید: احمد محمد دویب، ص 54-57.
- [5]. ریاض 1380 / 1960؛ 1382 / 1962؛ 1390 / 1970؛ 1400 / 1980؛ مدینه 1410 / 1990.
- [6]. نشر اسماعیل الأنصاری- عبدالله بن عبداللطیف آل الشیخ، ریاض 1400.
- [7]. نشر ریاض 1390 / 1970.
- [8]. FUNDAMENTAL OF ISLAM, RIYAD 1400/ 1980.
- [9]. نشر محمد احمد عبدالعزیز، قاهره 1987. دو اثر متأخر با شرح و توضیح م. رشید رضا در ضمن مجموعه الحدیث منتشر شده است (ریاض 1400).
- [10]. با اضافات و شرح محمد شکرى الأوسى به چاپ رسیده است. قاهره 1347، 1376.
- [11]. 1394 / 1974؛ طائف 1394 / 1974؛ ریاض 1408 / 1988.
- [11]. نشر زهیر الشاویش، بیروت 1399 / 1878.

- [12]. نشر ناصر بن سعد الرشید، قاهره 1980.
- [13]. نشر محمد حسن سلامة- محمد شوقی خضر ریاض 1398
- [14]. جلد اولش را خلیل ابراهیم ملّا خاطر و جلد دومش را نیز محمود التّهان منتشر کرده اند. ریاض 1398.
- [15]. خلاصه اعلام الموقّعين ابن قیّم الجوزیّة است و به تصحیح عبدالرحمن بن محمد بن محمد السدحان و عبدالله بن عبدالرحمان الجبرین منتشر شده است. ریاض 1398.
- [16]. خلاصه کتاب الإنصاف علی بن سلیمان المرادوی است که در باره کتاب المقنع تألیف موقّق الدین بن قدامة همچنین خلاصه الشرح الكبير تألیف ابوالفرج ابن قدامة است. توسط عبدالعزیز بن زید الرومی و صالح بن محمد حسن منتشر شده است. ریاض 1398.
- [17]. این اثر را که تلخیص 130 فتوی از ابن تیمیه است، ابوالفداء السید عبدالمقصود الإثری منتشر کرده است. ریاض 1408.
- [18]. نزدیک به چهل فتوی را در بر می‌گیرد.
- [19]. نشر م. حامد الفکی. ریاض 1375 / 1956؛ مدینه 1408 / 1988؛ عبدالرحمن بن ناصر و دیگران، لاهور 1408 / 1988. با نام زندگی حضرت محمد، مختصر سیرالرسول (آنکارا 1977) به ترکی ترجمه شده است.
- [20]. خلاصه ای از کتاب ابن قیّم الجوزیّه می‌باشد. بیروت 1391 / 1971، 1984.
- [21]. با شرح و توضیح م. رشید رضا در ضمن مجموعه الحدیث منتشر شده است. ریاض 1400.
- [22]. حاوی 38 خطبه می‌باشد. دو اثر آخری توسط صالح بن عبدالرحمن الأترام و محمد عبدالرازق الدویش چاپ شده اند. ریاض 1399.

g. s. rents, .88 -76 1347 96 -89 -6 1 () : .1337 : 12-1 () ()
 Muhammad ibn abd al- wahhab (1730/ 04- 1792) and the begginings of Unitarian
 university of colifornia;h. st. j. b. phlby, Saudi Arabia, London (1948) empire in Arabia
 1955; a. m. vasiliev, puritane islami Vakhkhabizm I pervoye gosudarstvo saudiov v
 h..2 -1 95 95-1984 1975 1967 () aravii, 1744/45- 1818, moskova 1967
 beskes, Muhammad ibn abdalwahhab(1703- 92) im widerstreit, Beirut 1993;m. cook. “
 the provenance of the lam’al – shihab fi sirat Muhammad ibnabd al -wahhab ” jts, x
 -191 (1992) 2 : (1986), p. 79- 86;m. cook, “ on the origins of wahhabism”, jras
 samer traboulsi, “an early refutation of Muhammad ibn abd al-wahhab’s reformist201
 views ”, wi,xlii/3 (2002). p/ 373- 415; h. loust, “ ibn abd al- wahhab, muhammad”. lii,
 102-7 1 () . 180 -81 1985 /1405 () 12-1 () . () .677-679
 2 307 1 25 -10 () p. 8- 26H. St. J. Philby, Arabia, London ,193089 -6 1349
 -372 1963 ⇨ 441 – 437 () ;Brockelmann, gal, ii, 390350 2 361 342 273
 400-393 1970 204 -158 145 -141 76 -55 () 201 -196 1966 386
 () 1984 /1404 350 -349 3 .1982 /1402 498 -497 1980 80 -15 1395
 Ahmad dallal, “ the origins1992 /1412 55 38 -35 () 169 -150 1986 /1406
 and objectives of islamic revivalist thought, 1750- 1850” jos, cxIII/ 3 (1993), p. 349-
 351;h. loust, “ ibn abd- alwahhab”,el2(english),III, 677-679;j. o. Voll, “ ibn abd- al
 xv ;wahhab, muhammad” ere,v, 551- 552;hakki dursun yildiz, “ arabistan”, dia,III, 257
 Ayman al- yassini, “ ibnabd-al wahhab, muhammad”, the oxford531- 532 539
 :encyclopedia of the modern Islamic world (ed. j. l. esposito). oxford 1995,II, 159- 160

